

چون در امضای کاری دو دل باشی، آن طرف اختیار کن که بی‌آزارتر باشد.

www.mandegardaily.com

سال ششم شماره یک هزار سه صد و شصت چهار چهارشنبه ۵ سنبله/شهریور ۱۳۹۳ ۱ ذوالقعدة الحرام ۱۴۳۵ ۲۷ اگست ۲۰۱۴

پخش همزمان:  
بلخ  
پروان  
پنجشیر  
میدان وردگ  
وکاپیسا

## ماندگار

دمپسی:

پس از ۲۰۱۴ نیز می‌توانیم بمانیم



پنتاگون، برنامه جدیدی طرح‌ریزی کرده است که بر اساس آن سربازان این کشور می‌توانند در صورت تاخیر در مشخص شدن نتایج انتخابات افغانستان و امضای توافقنامه امنیتی، بعد از پایان سال روان میلادی نیز در افغانستان باقی بمانند.

جنرال مارتین دمپسی رییس ستاد ارتش ایالات متحده امریکا روز دوشنبه کمی پیش از رسیدنش به کابل در حضور خبرنگارانی که او را در این سفر همراهی می‌نمودند، گفت، احتمالاً در بهترین شرایط ممکن، در صورت عدم موافقت برای تمدید حضور امریکا در افغانستان برای خروج کامل نیروهای این کشور، حداقل ۱۲۰ روز دیگر در آغاز سال ۲۰۱۵ نیاز می‌رود. او در عین حال اعلام کرد که در صورت لزوم ایالات متحده قادر است تا سریع‌تر نیز عمل کند و افزود: «اگر این روند بیش از انتظار طول بکشد ما امکانات برای برنامه...»

ادامه صفحه ۶

تیم اصلاحات و همگرایی:

## پروسه ابطال آرا صرف یک شوخی است



صفحه ۶

وزیر امور زنان:

## مصرف گزاف در عروسی‌ها نگران‌کننده است



در پیام رییس جمهور کرزی گفته شده است که نتیجه این سمینار برای تطبیق باید به نهاد های مربوط و مردم پیش...  
ادامه صفحه ۶

برای حل این معضل تلاش ورزند. او گفت: «ما از خانواده‌های محترم، علمای کرام و متنفذین تقاضا نمودیم تا در راستای حاکمیت نابودی رسوم و عنعنات ناپسند و جلوگیری از مصارف گزاف در محافل دست به دست هم داده و با پدیده‌هایی که سراسر ناسالم اند، مبارزه نموده و جامعه را به سوی رفاه و سعادت سوق دهند.»  
در این سمینار، پیام حامد کرزی رییس جمهور افغانستان نیز به خوانش گرفته شد که در آن از تمام افغانها خواسته شده تا در راه اندازی محافل‌شان اصل اعتدال را در نظر گرفته و از مصارف هنگفت خود داری کنند.

وزارت امور زنان افغانستان می‌گوید، در کنار برخی از عنعنات ناپسند در کشور، مصارف محافل عروسی نیز گزاف و نگران‌کننده می‌باشد. حسن بانو غضنفر وزیر امور زنان روز سه شنبه در یک سمینار سه روزه‌یی که در این مورد در کابل برگزار شده بود گفت که اشتراک‌کننده‌گان بیشتر روی نتایج عنعنات ناپسند و مصارف گزاف در محافل خوشی بحث خواهند کرد.

خانم غضنفر همچنان از نماینده‌گان ارگان‌های دولتی، علمای دین و بزرگان قومی که در این سمینار حضور داشتند، خواست تا برنامه‌های آگاهی عامه را در این خصوص راه‌اندازی کرده و

## بزرگترین چالش نیروهای امریکایی در افغانستان در راه است



سربازان امریکایی در چند سال گذشته اقدامات بسیاری در افغانستان انجام داده‌اند، اما شاید هنوز با بزرگترین چالش خود در این کشور رو به رو نشده‌اند.

به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، جنرال جوزف اندرسون، فرمانده نیروهای بین‌المللی کمک به برقراری صلح و امنیت در افغانستان (ایساف) و معاون فرماندهی کل نیروهای امریکا در افغانستان در مصاحبه‌یی گفت، حدود ۳۵ هزار نیروی امریکایی هنوز در افغانستان هستند که کاهش این تعداد به زودی آغاز می‌شود. همزمان ماموریت ائتلافی امریکا در افغانستان از مشورتی...  
ادامه صفحه ۶

## بحث اشتراک‌کننده‌گان

یادداشت: مُدل پیشنهادی دولت وحدت ملی در افغانستان، از آدرس کنفرانس آجندای ملی، روز پنجشنبه (۲۲ اسد/مرداد) در نشست در هتل کابل استار ارایه شد. در این نشست، شماری از نخبه‌گان سیاسی، استادان دانشگاه، نماینده‌گان مجلس و نماینده‌گان شماری از سفارت‌خانه‌های خارجی مقیم کابل اشتراک کرده بودند. در این سمینار، نخبه‌گان دانشگاهی و سیاسی، روی چارچوب پیشنهادی تشکیل دولت وحدت ملی در افغانستان که از سوی کنفرانس آجندای ملی ارایه شده است، به گونه مفصل بحث و گفت‌وگو کرده و پیشنهادهای‌شان را به منظور غنای‌سازی هرچه بیشتر این طرح، ارایه کردند.  
متن سخنرانی سخنرانان این نشست، پس از این از روزنامه ماندگار به نشر می‌رسد.  
صفحه ۶



در برگ‌ها



خانه از پای‌بست ویران است...



نکاتی پیرامون چپستی خیانت و محرک ایجاد آن



فوکو، نقد و «روشن‌گری»



دختر اسلام کریماف، مغضوب پدر و گرفتار «رفتار بدتر از سگ» در ازبکستان



احمد عمران

# خانه از پای بست ویران است...



## سخن ماندگار

### فقط و فقط دولت و وحدت ملی!

ستاد اصلاحات و هم‌گرایی در یک نشست رسانه‌یی از تحریم دیگری خبر داد که نتیجهٔ تقلب در تقلب است. فضل‌احمد معنوی رییس تیم تخنیکي پروسهٔ بازشماری آرا از تیم داکتر عبدالله گفته است که آن‌ها دریافته‌اند در بازرسی آرا، سعی می‌شود تقلبات گسترده پوشانده شود و این کار به هدفی سیاسی روی دست گرفته شده است. آقای معنوی گفته است که شرایط پنج‌گانهٔ این تیم - که قبلاً وعده در نظر گیری آن داده شده بود - از سوی کمیسیون انتخابات نقض شده است.

هم‌چنین ستاد اصلاحات و هم‌گرایی گفته است که اگر تا امروز (چهارشنبه) وضعیت به همین منوال ادامه یابد، آن‌ها از روند کنار خواهند رفت و عواقب آن نیز به دوش افرادی خواهد بود که سعی در فریب مردم و تیم اصلاحات و هم‌گرایی کرده‌اند.

از فحوی کلام آقای معنوی پیداست که کمیسیون انتخابات، به همکاری تیم اشرف‌غنی احمدزی و حکومت افغانستان این کار را انجام داده است. به نظر می‌رسد که در این راستا، یوناما نیز خاموش مانده و فقط به حیث یک ناظر بی‌صلاحیت در این پروسه حضور داشته است. این همه در حالی است که قریب به هشتاد درصد محلات رای‌دهی، بازشماری و پروسهٔ ابطال آرا نیز آغاز شده. اکنون، وضعیت به کجا خواهد انجامید و مقصر چه کسی است؟

این نکته که مثلث حکومت، اشرف‌غنی و کمیسیون‌های انتخاباتی سعی در کتمان‌کاری و تقلبی دیگر دارند، در جریان پروسهٔ بازشماری آرا هویدا شده بود، چنان‌که چندین بار این پروسه با بن‌بست مواجه گردید؛ اما با آن‌هم تصور مردم بر آن بود که این مثلث طبق قرار در نهایت به حکومت وحدت ملی گردن می‌نهد و وضعیت بحرانی فعلی پایان می‌پذیرد. اکنون که وضعیت به این نقطه رسیده؛ دیده می‌شود که آن تصور کاملاً اشتباه بوده است. از این رو، بسیار امید نمی‌رود که هشدار تیم اصلاحات و هم‌گرایی جدی گرفته شود و طبق ضرب‌الاجل داده شده، این مثلث تا پایان امروز شرایط اصلاحات و هم‌گرایی را بپذیرد.

پیش‌بینی می‌شود که اگر شرط داکتر عبدالله پذیرفته نگردد، تمامی راه‌ها بسته خواهد شد، چون دیگر نه مردم به قول و قرار این مثلث باور دارند و نه هم تیم مدعی؛ و بحران در پایان چنین ضرب‌الاجلی حتمی خواهد بود. به‌گونه‌یی که فراروی هر نوع گفت‌وگو و مذاکره سد خواهد شد و بدیهی‌ست که مقصر این وضع و تبعات ویران‌گرش، غیر از آقای کرزی و دارودسته‌اش (اشرف‌غنی و کمیسیون‌ها) کس دیگری نخواهد بود.

با این‌همه، هنوز می‌توان از یک مسأله سخن زد؛ این‌که انتخابات و پروسهٔ پُر از تقلب آن از همین اکنون باطل و ملغاً اعلام شود. زیرا از دیگ سیاه انتخابات و کمیسیون‌ها دیگر هیچ چیز پاکي بیرون نمی‌شود. دست‌اندرکاران انتخابات چنان بدنامی و افضاح در این پروسه خلق کرده‌اند که سخن‌زدن از این انتخابات، فقط مایهٔ شرمساری‌ست. پیداست که هرگونه حکومت بیرون‌شونده از چنین انتخاباتی، هیچ‌گونه قدرت و مشروعیتی ندارد.

بعد از این مرحله، فقط و فقط می‌توان سخن از دولت وحدت ملی زد که شرط لازمی‌اش، نداشتن هیچ نوع رابطه با انتخابات است. به این معنا که پروژهٔ دولت وحدت ملی بدون در نظر داشت انتخابات تطبیق شود؛ در غیر آن، بحران اجتناب‌ناپذیر است. هرچند کاری که تقلب‌کاران با انتخابات کردند، چندان وقیحانه و مفتضح است که می‌سزد جای آن‌ها در زندان باشد؛ اما از آن‌جایی که وضعیت سیاسی کشور رو به ویرانی‌ست، می‌توان وجود آنان را دست‌کم در ساختار دولت وحدت ملی تحمل کرد.

اگر این کار انجام نپذیرد، باید خودمان را برای مواجهه با یک بحران بسیار فراگیر آماده سازیم که همهٔ تقصیرش به دوش همین مثلث شوم و در رأس آقای کرزی است.

عمر زاخیل‌وال وزیر مالیه افغانستان در یک گفت‌وگوی اختصاصی با بی‌بی‌سی گفته است که طولانی شدن روند انتخابات، صدمات سختی به پیکر اقتصادی کشور وارد کرده است. به گفتهٔ او، طولانی شدن این روند سبب شده که پنج میلیارد دالر به اقتصاد افغانستان صدمه وارد شود و شش میلیارد دالر سرمایه‌های شخصی نیز از کشور خارج گردد. در همین حال، ادارهٔ سرمایه‌گذاری‌های افغانستان اعلام کرده که از پنج‌ماه به این‌سو تمامی سرمایه‌گذاری‌های خارجی و داخلی در افغانستان متوقف شده است.

این گزارش‌ها در حالی منتشر می‌شوند که گسترش دامنهٔ ناامنی‌ها و نابه‌سامانی‌های سیاسی، به خودی خود زمینهٔ اضطراب بزرگ را در کشور رقم زده است. این روزها به دلیل فضای حاکم بر کشور، شیارهایی از یک‌نوع نگرانی توأم با ترس از آیندهٔ مبهم را در چهره‌های شهروندان کشور می‌توان شاهد بود. در همه‌جا سخن از آیندهٔ نامعلوم و پُر از چالش است. پرسش‌هایی که این روزها در محافل و مجالس مردم می‌توان شنید، عمدتاً به انتخابات و آیندهٔ افغانستان ربط دارد. به ویژه این‌که هر روز در مورد بازشماری و ابطال آرا و بحث‌های مربوط به حل سیاسی اختلافات، جنجال‌های تازه‌یی بروز می‌کند و امیدواری مردم به پایان خوش انتخابات را به یأس می‌کشاند.

مردم نگران وضعیت‌اند، اما حاکمان با خوش‌خیالی این نگرانی را چندبرابر می‌سازند بدون آن‌که نقش خود در بحران‌های به‌وجود آمده را محاسبه کنند. آقای زاخیل‌وال به عنوان مهرهٔ اصلی مناسبات اقتصادی ارگ، وقتی سخن از کاهش حقوق کارمندان دولت به دلیل عدم موجودیت نقدینه سخن می‌گوید، به‌خوبی آگاه است که چه چیزی را هدف گرفته است. او می‌خواهد این فرضیه را وارد اذهان عمومی سازد که وضعیت افغانستان به دلیل انتخابات است که خراب می‌شود. اگر فردا میلیون‌ها کارمند دولت از وظایف خود اخراج می‌شوند و یا حقوق نمی‌گیرند،

باید تقصیر را از کارگزاران فعلی ندانند و انتخابات و تیم‌های انتخاباتی را ملامت کنند. در مورد تیم‌های انتخاباتی هم هدف ارگ نشینان کاملاً مشخص است، آن‌ها با چنین شایعه‌پراکنی‌هایی می‌خواهند تقصیر وضعیت را به دوش ستاد انتخاباتی اصلاحات و هم‌گرایی بیندازند. وقتی وزیر مالیه می‌گوید که افغانستان در آستانهٔ یک بحران کلان اقتصادی قرار دارد که حتا دامن حکومت آینده را برای سال‌های متمادی خواهد گرفت، عملاً می‌خواهد اعتماد مردم را به ارزش‌های مردم‌سالارانه کاهش بخشد و یا حتا از بین ببرد.

آقای زاخیل‌وال با پرده‌برداری از مشکلات اقتصادی کشور، نیت خیرخواهانه ندارد؛ بل با این کار اصلی‌ترین ارزش‌های جامعه را هدف قرار می‌دهد. او خلاف موقعیت یک مقام بلندپایه سخن می‌گوید. او به‌جای کاهش نگرانی‌های مردم نسبت به آینده، به افزایش آن‌ها دست می‌زند. خوب است یادآوری شود که سخنان آقای زاخیل‌وال عملاً در تضاد با اظهارات رییس‌جمهوری قرار می‌گیرد. رییس‌جمهور کرزی در یکی از نشست‌های مجلس نماینده‌گان گفته بود، بیش از هفت میلیارد دالر ذخیره داریم و باز به کنایه ادامه داده بود که بروید چلو و پلو بخورید، چرا که تا پنج سال آینده ذخیرهٔ ارزی داریم.

اگر دولت نمی‌تواند حقوق کارمندان خود را تأدیه کند، پس هفت میلیارد دالر چه شد و اگر چنین پولی وجود نداشته، چرا رییس‌جمهوری از آن سخن گفته است...؟ معلوم می‌شود که یکی از این دو نفر حتماً دروغ می‌گوید، چون نمی‌شود هم پول داشت و هم نداشت. از جانب دیگر، مشخص نیست که آقای زاخیل‌وال در مخالفت با کرزی این سخنان را ابراز کرده است و یا این‌که این دو نفر پروژه‌یی مشترک را پیش می‌برند.

بی‌ارزش کردن ارزش‌های دموکراتیک تا به حال انجام داده‌اند، بیشتر منطقی می‌نماید. ولی بازهم یک پرسش بی‌پاسخ می‌ماند که چرا این دو مقام بلندپایه در تناقض با یکدیگر سخن گفته‌اند.

شاید سخنان متناقض این دو مقام برای شنونده‌گان متناقض به نظر برسد ولی برای خودشان هیچ جایی برای تناقض نداشته باشد.

مسألهٔ دیگر، خالی شدن بودجهٔ افغانستان به‌جای این‌که به مسایل انتخاباتی ربط داشته باشد، به مدیریت کلان سیاسی و اقتصادی کشور مربوط می‌شود. آقایان بانک‌های افغانستان را از دارایی تهی کرده‌اند، آن‌گاه می‌خواهند انتخابات و وضعیت‌های پیش‌آمده را بهانه قرار دهند.

تهی شدن ذخیره‌های مالی افغانستان در نتیجهٔ اختلاس‌های کلان به وجود آمده و نه مشکلات انتخاباتی. از سوی دیگر، این‌که جامعهٔ جهانی اعتماد خود را به این حکومت به‌دلیل بی‌بندوباری‌های مالی آقای کرزی از دست داده و دیگر نمی‌خواهد کمک‌های خود را در اختیار آن بگذارد، هیچ ربطی به انتخابات و دموکراسی ندارد. وقتی بر خزانهٔ دولت، سارقان معلوم‌الحال و معلوم‌الهیوه نشستند، مشخص است که خزانه تهی می‌شود.

گاهی که به حکومت آقای کرزی نگاه می‌کنم، داستان علی بابا و چهل دزد به یاد می‌آید؛ همان داستان چهل دزد معروفی که شب‌ها به غارت مردم مشغول بودند و روزها در کمال وقاحت بر آن‌ها حکم‌روایی می‌کردند. حکومت آقای کرزی روایت قرن بیست‌ویکمی داستان علی بابا و چهل دزد است.

ساده‌ترین مصارف مقام‌های عالی‌رتبهٔ دولتی چند برابر مصارف کل کشور است، آن‌گاه آقایان از تهی شدن دارایی‌های کشور به رسانه‌های بین‌المللی خبر می‌دهند. آیا این سخنان به معنای رد گم کردن و نشانی غلط دادن نیست که کسی رد پای دزدان واقعی را تعقیب کرده نتواند؟



بی.بی.سی

# دختر اسلام کریماف، مغضوب پدر و گرفتار

## «رفتار بدتر از سگ» در ازبکستان

از بسیاری از کشورهای شوروی سابق قرار دارد. گفته می‌شود که نزدیک به یک سوم نیروی کار ازبکستان به خارج از این کشور، به خصوص به روسیه مهاجرت کرده و به کارهای سخت در آن کشور مشغول هستند.

سال پیش اسلام کریماف، رییس جمهوری ازبکستان در یک سخنرانی تلویزیونی کارگرانی را که برای کار به خارج می‌روند تنبل نامید و گفت: «من آنها را که به مسکو می‌روند تا خیابانها و میدان‌های آنها را جارو کنند، تنبل می‌نامم. آدم از این واقعیت که ازبک‌ها باید برای به دست آوردن یک لقمه نان به مسکو بروند، منزعج می‌شود. هیچکس در ازبکستان از گرسنگی نمرده است.»

اما اگر کارگرانی که برای جارو کردن به مسکو می‌روند، تنبل نامیده می‌شوند، روزنامه‌نگاران و مخالفانی که در ازبکستان می‌مانند و با حکومت آن کشور همسو نیستند، مورد غضب قرار می‌گیرند. بر اساس گزارش عفو بین‌الملل در مورد ازبکستان در سال ۲۰۱۳، موارد نگرانی از شکنجه و فشار در زندان‌های ازبکستان و ارباب روزنامه‌نگاران و

او را کمک کنند، البته به شرط آنکه این نامه‌ها و محتوای آنها واقعی باشند. شیوه ارتباط‌گیری مخفیانه با خارج از ازبکستان از زمانی شکل گرفت که از ماه فبروری گذشته راه دختر رییس جمهوری ازبکستان به جهان مجازی، به فیس‌بوک و توئیتر بسته شد و او به طور کامل در قرنطینه سازمان‌هایی قرار گرفت که زمانی قادر بود به آنها امر و نهی کند.

این سقوط از عرش به فرش، آن هم در خانواده یکی از قدرتمندترین حکومت‌های آسیای میانه و در کاخ ریاست جمهوری تاشکند که سالهاست مخالفانش را در یک چشم به هم زدن سرچایشان می‌نشانند، چگونه اتفاق افتاد؟

بر اساس گزارش روزنامه هندلرسایتونگ سوییس در پی بازداشت دو ازبک به اتهام پولشویی در سال ۲۰۱۲ میلادی در ژنو، ماموران دادستانی سوییس بیش از یک سال بعد خانه مجلل گلناره کریماف او در سوئیس را بازرسی و ماه سپتامبر سال پیش علیه او قرار صادر کردند.

بعد از آن، سوئد و فرانسه هم پرونده‌هایی در این زمینه باز کردند. اتهام در این پرونده‌ها، رشوه‌های چند صد میلیون دلاری برای ورود به بازار مخابرات ازبکستان بود و جای پای دختر رییس جمهور آن کشور برای مسوولین پرونده مشهود بود.

بعد از آنکه گلناره کریماف با استفاده از مصونیت دیپلماتیک سوئیس را ترک کرد، طی یک مصاحبه با روزنامه حریت در ترکیه، خواهر خود لاله را که او هم در سوئیس نماینده ازبکستان در یونسکوست مقصر دشواری‌هایش در غرب خواند. بر اساس گزارش روزنامه سویسی، گلناره گفته خواهرش بعد از آن با بی‌بی‌سی کرده که یکی از بانک‌های سوئیس برای حساب‌های خانوادگی آنها مشکلات ایجاد کرده بود، مسئله‌ای که تکذیب شده است. با وجود اینکه لاله کریماف طلاویا کوشیده خود را دور از خواهر و حتی با فاصله از پدرش نشان دهد، ثروت او هم برای رسانه‌های اروپایی تیتراژ بوده است. بر اساس گزارش‌ها او و شوهرش در لیست ثروتمندترین شهروندان سوئیس قرار دارند و در سال ۲۰۱۰ میلادی خانه‌ای به قیمت ۴۶ میلیون دلر خریدارند. بانک جهانی در گزارش خود در مورد ازبکستان می‌نویسد که حدود ۱۶ درصد مردم آن کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. ازبکستان از نظر ضریب توسعه انسانی در رده ۱۱۴ بین ۱۸۶ کشور و بعد

گلناره کریماف، دختر رییس جمهور ازبکستان که زمانی جانشین احتمالی او دانسته می‌شد در پیامی صوتی گفته است که در تاشکند با او و دختر ۱۷ ساله بیماراش «از سگ هم بدتر» رفتار می‌شود و خواستار کمک از خارج از ازبکستان شده است. دختر ۴۲ ساله اسلام کریماف حدود دو سال است که بعد از یک رسوایی مالی در سوئیس و در پی آن درگیری با خانواده خود و سازمان‌های امنیتی ازبکستان مورد غضب پدرش قرار گرفته و ادعا می‌کند در تاشکند در حبس خانگی است. خانواده کریماف و مقامات رسمی ازبکستان تا بحال در این مورد اظهار نظری نکرده‌اند.

غضب سیستم دولتی ازبکستان که به خشونت و بیرحمی در مورد مخالفان سیاسی خود معروف است، حالا عرصه را بر کسی تنگ کرده که قبلاً احتمال می‌رفت که در راس آن سیستم قرار گیرد. بانوی اول پیشین کشور در پیام‌های خود با پریشانی و استیصال از روزنامه‌نگاران خواسته صدای کمک‌خواهی‌اش را به گوش جهانیان برسانند. جندی پیش هم او در نامه‌ای دستنویس تنگنای سیاسی خود را تصویر کرده و گفته بود که از ماموران کتک خورده، دایما زیر نظر پلیس است و با دوربین‌های مداربسته مراقبت می‌شود.

دختر مغضوب رییس جمهوری ازبکستان زمانی نه تنها شغل‌های بالای سیاسی داشت و از راه تجارت ثروتی افسانه‌ای در کشور زادگاهش و خارج از آن به هم زده بود، بلکه از یک طرف به عنوان استاد دانشگاه در رشته علوم سیاسی و از طرف دیگر به عنوان ستاره موسیقی پاپ هم فعالیت می‌کرد. گلناره کریماف که بیش از نصف عمرش در دوره پسا شوروی گذشته، در ۲۳ سال اخیر و بعد از فروپاشی شوروی، از نظر مالی، موقعیت اجتماعی و شهرت به موقعیتی افسانه‌ای رسیده بود که در جمهوری‌های پیشین اتحاد شوروی تنها مورد نیست، اما شاید یکی از جنجالی‌ترین موردها باشد. شهروندان نوکیسه با آزادی سرمایه‌داری در کشورهای استقلال یافته از روسیه و اوکراین گرفته تا قفقاز و آسیای میانه در مدتی کوتاه در آن کشورها چنان ثروتی بهم زدند که ردپای آن تا دل شهرهای بزرگ اروپا (و آمریکا) مانند لندن محسوس است. اما گفته می‌شود که معیارهای به چنگ آوردن ثروت در این کشورها بخصوص در آسیای میانه و قفقاز در چهارچوب داستانهای هزار فامیل قابل بررسی است که به سرعت در یک پله مافیائی پیچیده می‌شود و رنگ شدید سیاسی می‌گیرد.

در اسناد ویکی‌لیکس، گلناره کریماف به عنوان یکی چهره‌های منفور در ازبکستان معرفی شده که ثروت خود را با تهدید و زور و از طریق تجارت‌های سودآور به دست آورده و در جامعه ازبکستان بنام «علیامخدره دزد» معروف است.

در این اسناد گفته می‌شود که گلناره، آنطور که در ازبکستان معروف است، به تجارت محلی بسنده نکرده و دست طمع به سوی شرکتهای بزرگ خارجی مقیم ازبکستان هم دراز کرده است. مخالفان دولت و شهروندانی که از او و خانواده‌اش دل پرخونی داشتند، از همان زمان او را به فساد مالی و سوء استفاده از قدرت و موقعیت خانوادگی متهم می‌کردند.

اما ستاره اقبال گلناره که نماینده کشورش در سازمان ملل هم بود و در ژنو اقامت داشت، به سبب قانون شکنی‌های نامحاطانه او و اطرافیانش در کارهای بین‌المللی تجاری افول کرد. رویاهای شیرین گلناره کریماف قدرتمند طی مدتی کوتاه چنان به تلخ‌کامی تبدیل شدند که بررسی آن و حاشیه‌هایش این تصور را بوجود می‌آورد که این اتفاقات می‌تواند متعلق به چند صد سال پیش باشند.

حالا همان دختر قدرقدرت اسلام کریماف که همزمان در چند عرصه فعال بود، چنان ناتوان شده که با پیک‌های ناشناس و نامه‌های مخفی از جهانیان می‌خواهد تا برای مداوای دختر ۱۷ ساله‌اش که به خاطر نارسایی قلبی نیاز به مراقبت پزشکی دارد،

### «چالش سطل یخ» را فراموش کنید؛

مردم غزه سطل خاک بر سر خود می‌ریزند



مردم جنگ زده غزه «چالش سطل یخ» را که در حمایت از بیماران «ای ال اس» است، به «چالش سطل خاک» تبدیل کردند. به نوشته روزنامه دیلی میل، چالش سطل یخ در حمایت از انجمن حمایت از بیماران ای ال اس به راه افتاد. بیماری ای ال اس یک بیماری بد خیم در سلسله اعصاب رابط مغز و ماهیچه‌ها است. این بیماری سلول‌های عصبی را به تدریج از کار می‌اندازد و در نتیجه اعصاب، غلایم مغزی را نمی‌توانند به ماهیچه‌ها برسانند. بدین ترتیب ماهیچه‌ها که ایجاد کننده حرکت در بدن می‌باشند، به تدریج لاغرتر و کم قدرت‌تر می‌شوند؛ کارایی آن‌ها پیوسته کمتر و کمتر از گذشته شده و سرانجام به کلی از بین می‌روند.

حال ساکنان غزه که از حملات هوایی رژیم صهیونیستی به منازلشان جان سالم به در برده‌اند و رزق خود را از این چالش به راه انداخته‌اند. آن‌ها به جای یخ از خاک استفاده می‌کنند که نشانگر ویرانی خانه‌های غیر نظامی است که در بمباران هوایی با خاک یکسان شده است. هدف آن‌ها اطلاع رسانی درباره وضعیت سخت زندگی در غزه است و اولین ویدئو توسط ایمن العالول، روزنامه نگار فلسطینی در اینترنت منتشر شد.

در جریان چالش سطح یخ افراد مشهوری از بیل گیتس گرفته تا دیوید بکهام شرکت کردند و هر کدام دوستان خود را برای این چالش نامزد کردند.

ایمن العالول در ویدیوی خود گفت: من باید کاری انجام می‌دادم و پیام غزه را به تمام جهان ارسال می‌کردم. اینجا پیدا کردن آب بسیار مهمتر از آن است که بخواهیم آن را به روی سرمان بریزیم و اگر آب را بتوان پیدا کرد، منجمد کردن آن کار دشواری است. وی در ادامه توضیح می‌دهد که به این دلیل تصمیم گرفته است تا به جای آب از بقایای ساختمان‌های ویران شده استفاده کند.

این حرکت ابتکاری روز شنبه در صفحه فیس بوک منتشر شد و تاکنون دو هزار نفر آن را پسندیده‌اند. تاکنون حدود ۴۰ میلیون پوند برای بیماران ای ال اس جمع آوری شده است اما این روزنامه نگار فلسطینی بسیار متواضع است و به کمک‌های امداد قانع است. وی می‌خواهد که مردم جهان همبستگی و حمایت خود را با مردم فلسطین نشان دهند.

در ادامه این جوان فلسطینی می‌گوید که قطعاً پس از رفتن به خانه آبی برای شستن سر و رویش پیدا نخواهد کرد. در جریان حملات اسرائیل به نوار غزه که تاکنون ۵۰۰ هزار تن را آواره کرده است، خسارت مادی زیادی به این منطقه وارد شد. طبق اعلام وزارت بهداشت فلسطین تاکنون ۲۱۱۹ تن کشته شده‌اند که شامل ۴۰۰ کودک بودند.

### رزمایش هوایی مشترک هند و روسیه



نیروی هوایی هند اعلام کرد: مسکو و دهلی نو از روز دوشنبه نخستین رزمایش هوایی مشترک خود را در خاک روسیه به منظور تقویت همکاری میان نیروهای هوایی دو کشور آغاز کرده‌اند. به گزارش خبرگزاری شینخوا، نیروی هوایی هند با انتشار بیانیه‌ی گفت: رزمایش Ex Avia Indra-۲۰۱۴ در منطقه آستراخان روسیه و در نزدیکی دریای خزر با شرکت نیروهای هوایی روسیه و هند آغاز شده است.

بر اساس این بیانیه، این رزمایش ۱۰ روز ادامه خواهد داشت و در تاریخ ۵ سپتمبر خاتمه می‌یابد.

در این بیانیه تصریح شد: این رزمایش نقطه عطفی در روابط نظامی ما است و با شرکت خلبانان جنگنده‌ها و هلی‌کوپترها، خدمه سامانه‌های موشکی و همچنین مهندسان نیروی هوایی هند انجام می‌شود.

هند و روسیه پیشتر نیز یک سری رزمایش‌های موسوم به Indra را میان نیروهای زمینی و دریایی خود اجرا کرده بودند.

قرار است در رزمایش اخیر خلبانان جنگنده‌ها و هلی‌کوپترهای نیروی هوایی هند در ماموریت‌هایی در کنار خلبان‌های روسی و با شرکت جنگنده‌های نیروی هوایی روسیه شامل جنگنده‌های Su-۳۰SM و هلی‌کوپترهای Mi-۱۷ و Mi-۳۵ حضور داشته باشند. نیروهای هوایی این دو کشور همچنین قرار است به بحث درباره دفاع هوایی پرداخته و خدمه رزمایش موشکی دو طرف نیز با یکدیگر تعامل پیدا کرده و در رزمایش‌های دفاع هوایی شرکت کنند. در بیانیه نیروی هوایی هند آمده است: این رزمایش همچنین فرصتی برای نیروهای دو کشور به منظور تبادل بهترین راهکارها فراهم آورده و زمینه را برای تعاملی حرفه‌ای‌تر و رشد همکاری در آینده ایجاد می‌کند.



مخالفین ادامه داشته است. عفو بین‌الملل می‌گوید که حکومت اسلام کریماف که در کارنامه‌اش سرکوب و کشتار قیام اندیجان در سال ۲۰۰۵ را دارد، از شکنجه و فشارهای دیگر برای اقرار گرفتن از افرادی که احتمال دارد با احزاب اسلامی ممنوع شده ارتباط داشته باشند، فروگذار نمی‌کند.

در ارتباط با سیاست‌های حکومت ازبکستان، گروه‌های حقوق بشری جامعه جهانی و امریکا را هم متهم می‌کنند که بخاطر استفاده از خاک آن کشور برای عملیات نظامی خود در افغانستان، نقض حقوق بشر و شکنجه و زندان در آن کشور را نادیده می‌گیرد.

در کشوری که غضب پدر و ارگانهای امنیتی او دختر رییس جمهوری را در شرایطی قرار می‌دهد که باید با پیام‌های مخفی اطلاع دهد که با او بدتر از سگ رفتار می‌شود، با توجه به گزارش عفو بین‌الملل، می‌توان تصور کرد که زندانی سیاسی بودن می‌تواند به چه معنی باشد.

خارج کردن شرکای سیاسی از دور قدرت اتفاق جدیدی در منطقه نیست. اما دعوی خانوادگی کریماف‌ها که دستکم آوازه فعالیت‌های جنجالی اقتصادی آنها تا اروپا هم رسیده، چه در منطقه و چه در کشورهای شوروی سابق، که سیاستمداران ازبکستان هنوز از درس‌های مکتب آن استفاده می‌کنند، در نوع خود کم نظیر است.



بخش سوم و پایانی

## غرق در امواج مودی



### حساسیت ژنتیکی ندارید؟

علاوه بر آدم‌های عادی، همیشه افرادی هم هستند که حساسیت‌های خاصی دارند. این حساسیت‌ها گاهی به ظرفیت‌های ژنتیکی افراد برمی‌گردد. تحقیقات نشان داده است افرادی که نسبت به وایرس‌ها حساسیت دارند، اغلب نسبت به فلزات سنگین، بعضی از قارچ‌ها و بعضی از مواد سمی هم واکنش‌های آلرژیک نشان می‌دهند.

دلیل این واکنش‌ها این است که ژن‌های این افراد به اندازه بقیه نسبت به سم‌زدایی کردن قوی نیست و می‌تواند راحت‌تر از سایرین منجر به حساسیت شود. این افراد اول از همه باید تست حساسیتی بدهند و بعد از آن می‌توانند از پزشک‌شان درخواست برنامه سم‌زدایی منظم کنند؛ به این صورت که داروهایی را که می‌توانند سیستم ایمنی‌شان را تقویت کنند یا به کمک برطرف کردن آثار حساسیت‌شان بیابند، دریافت کنند.

### دفترچه راهنمای تبلت‌تان را بخوانید

خیلی از ما بعد از خرید یک گوشی جدید، آی‌پد یا تبلت شروع به استفاده از دستگاه می‌کنیم بدون این‌که نکات ایمنی درج شده در دفترچه راهنمای این وسیله را خوانده باشیم. یکی از این نکات ایمنی راجع به جای آنتن بلوتوث و وایرس روی دستگاه است که البته خیلی‌ها از آن بی‌خبرند.

همین حالا دفترچه راهنمای دستگاه‌تان را بردارید و جای آنتن را پیدا کنید. سعی کنید تا حد امکان آن نقطه از شما دورتر باشد و به طور کلی دستگاه را به خصوص نزدیک سرتان و در حالت عمومی نزدیک بدن‌تان قرار ندهید.

### استفاده در صورت ضرورت!

شاید گفتنتان به ظاهر ساده باشد اما عمل کردن به آن مثل ترک کردن یک اعتیاد بزرگ است؛ فقط وقتی لازم است از دستگاه‌تان استفاده کنید. درست است که چرخیدن در سایت‌های مختلف و فضولی کردن در صفحه دوستان‌تان، جذابیت‌های خاص خودشان را دارند، ولی کافی است فکر کنید که همین هیجان‌ها چه‌طور ممکن است در طولانی مدت روی بدن‌تان تاثیر منفی بگذارند. آن وقت است که احتمالاً پیاده‌روی و دیدن دوستان‌تان را به غذا دادن به «پو» و بازی کردن با او ترجیح خواهید داد!

### از محافظ‌ها کمک بگیرید

ممکن است به خاطر داشته باشید که چند سال پیش بیگ‌هایی برای تلفون همراه وارد بازار شدند که گفته می‌شد به کمک فناوری نانو مانع انتقال اشعه‌های مضر می‌شوند. بر اساس موارد دیده شده، این بیگ‌ها بعد از مدتی چندماهه و عمدتاً به دلیل شست‌وشو به صورت کلی کم‌کم خاصیت‌شان را از دست می‌دهند.

از آن‌جا که تکنالوژی نسبت به چند سال پیش پیشرفت کرده است، می‌شود هم‌چنان در مراکز الکترونیکی تجاری به دنبال گزینه‌های مشابه و با دوام‌تر گشت. ممکن است هزینه این موارد کمی بالا باشد اما به محافظتی که قرار است از شما به عمل بیاورند، می‌ارزد.

### شاید وقتی دیگر

هیچ معلوم نیست که ۲۰ سال دیگر چه نتیجه‌ی به دست بیاید و متوجه شویم که این امواج واقعاً مضر بوده‌اند یا این‌که کاملاً بی‌خطر. هر چه که باشد، شکی نیست تبلت‌ها و آی‌پدها در نوع خودشان انقلابی‌هایی در زمینه دستگاه‌های الکترونیکی هستند و حذف فعلی آن‌ها کار ساده‌ی نیست. تنها راه حلی که در حال حاضر داریم، عمل کردن به نکات ایمنی و دور ماندن از تماس دائمی با این تکنالوژی‌هاست.

بخش دوم و پایانی

## نکات پیرامون چیستی خیانت

### و محرک ایجاد آن

#### سید احسان راستگو

دوجانبه‌گرایی یک نمونه بارز دارد و همان کلمه جاسوسی است. بهترین نمونه دیگر آن، «سخن‌چین بدبخت هیزم‌کش است» می‌باشد. یک نمونه دیگر آن، آوردن هوو بر سر زن است. اشخاصی هستند که در دو گروه، خود را نفوذ می‌دهند. حال این نفوذ ممکن است به نفع یکی از طرفین یا به نفع طرف سوم باشد. اما این در اصل، خیانت به هر دو گروه می‌باشد.

چندین نکته وجود دارد. «برتری» منجر به «حسادت» و در آخر منجر به «نافرمانی» شد. پس می‌توان گفت که برتری و حسادت و نافرمانی، سه عاملی هستند که سبب ایجاد خیانت می‌شوند. اما وقتی درست فکر کنیم، متوجه می‌شویم که برتری یک امر بدیهی است و در اصل خود سبب ایجاد خیانت نمی‌شود، بلکه آن حسی را که در دیگری به وجود می‌آورد، آن حس سبب ایجاد خیانت می‌شود. یعنی حسادت و نافرمانی ناشی از برتری،

کم‌اهمیتی و شکست‌غرور و حقارت پیدا می‌کند، سبب جوشش نیرویی در شخص می‌شود که به آن شخص صدمه بزند و یا از راه‌هایی سعی در از بین بردن چنین خصلتی در شخص کند و این همان خیانت است به آن شخص. یا فرض کنید شخصی از زیبایی خارق‌العاده‌ی برخوردار است. برتری زیبایی این شخص نسبت به دیگری، سبب تحریک شخص دیگر می‌شود و از هر راهی سعی در از بین بردن زیبایی آن شخص می‌کند.

ترور و تروریست، احتکار، عدم آگاهی و اطلاع‌رسانی و دوجانبه‌گرایی، همه و همه ناشی از احساساتی است که برتری‌جویی منجر به آن‌ها می‌شود.

**خود برتری نه تنها در حوزه مقام، بلکه در حوزه علم و دانش و رنگ و عمل و زیبایی و ... نقش بسیار موثری دارد. و می‌توان گفت که برتری در همه این زمینه‌ها، سبب تحریک حسادت و نافرمانی و کم‌اهمیتی و حقارت و شکست‌غرور و شخصیت و ... می‌شود که هر کدام باز به نوبه خود سبب ایجاد خیانت به دیگران می‌شود**

احساساتی مانند حسادت، کینه، جهالت، ورشکسته‌گی، عقب‌مانده‌گی، سلطه‌گری و ...

و مثال‌های دیگری که می‌توان برای موضوع مورد نظر بیان کرد و شاید تومار شوند. هدف این است که فهمانده شود برتری، اصلی‌ترین محرکی است که منجر به احساساتی می‌شود که سبب تولید خیانت می‌شوند.

#### عوامل رفع خیانت:

می‌دانیم که محرک قوی ایجاد خیانت، احساساتی است که ناشی از برتری است. پس می‌توان گفت که رفع خیانت در کنترل احساسات، ناشی از برتری است و سوق دادن این احساسات به احساسات برتر و عالی است؛ یعنی وقتی احساس شخصی از برتری زیبایی شخص دیگری منجر به حسادت شود، این حسادت کنترل شود و تبدیل به خصلت خوب شود. یا وقتی شخصی از برتری علم شخصی دچار حس حسادت می‌شود، جلوی این حس گرفته و آن را تبدیل به حس خوبی کرد. این حس خوب زمانی رخ می‌دهد که شخص به تساوی یا برتری زیبایی و علم خود نسبت به دیگری پی ببرد و یا به این پی ببرد و قانع شود که پنج انگشت مثل هم نیستند و در اندازه و رنگ‌وشکل متفاوت هستند و تنها عمل گروهی آن‌ها مشابه است.

#### سخن آخر:

از آن‌جا که علم و دانش من در این مورد سطحی است و عمق ندارد، چنان‌که در این مقاله نواقصی بود، به بزرگواری خود ببخشید.



سبب ایجاد خیانت می‌شود.

پس می‌توان گفت که برتری، محرک خیانت است نه عامل ایجاد خیانت؛ چرا که برتری محرک وفاداری و عشق و خلوص و ... هم می‌شود و آن‌چه سبب خیانت می‌شود، حس حسادت و نافرمانی است.

برتری نه تنها سبب ایجاد حس حسادت و نافرمانی می‌شود، بلکه حس‌های دیگری هم مانند: برخوردن غرور و شخصیت، حقارت، کم‌اهمیتی و ... را هم خلق می‌کند که هر کدام از این احساسات به نوبه خود سبب ایجاد خیانت در دیگری می‌شود.

خود برتری نه تنها در حوزه مقام، بلکه در حوزه علم و دانش و رنگ و عمل و زیبایی و ... نقش بسیار موثری دارد. و می‌توان گفت که برتری در همه این زمینه‌ها، سبب تحریک حسادت و نافرمانی و کم‌اهمیتی و حقارت و شکست‌غرور و شخصیت و ... می‌شود که هر کدام باز به نوبه خود سبب ایجاد خیانت به دیگران می‌شود. وقتی شخصی از هوش و ذکاوت و شخص دیگری، حس حسادت و

هستند کسانی که برای به هم زدن بین دیگران سخن‌چینی می‌کنند و حقایق نادرستی را بین آن‌ها پراکنده می‌کنند و با این سخن‌چینی، در حق این اشخاص و گروه‌ها خیانت می‌کنند. هرچند که ممکن است شخص هیچ سود و بهره‌ی برای هیچ طرفی به حاصل نیاورد و حتا برای خودش.

اشخاصی هم هستند که بر سر زن اول خود، زن دوم می‌گیرند، آن‌هم بدون رضایت و مشورت زن اول، و این خود خیانت در حق زن اول است. مثال‌های زیادی از این قبیل وجود دارد که بیان آن‌ها دیگر ضروری نیست.

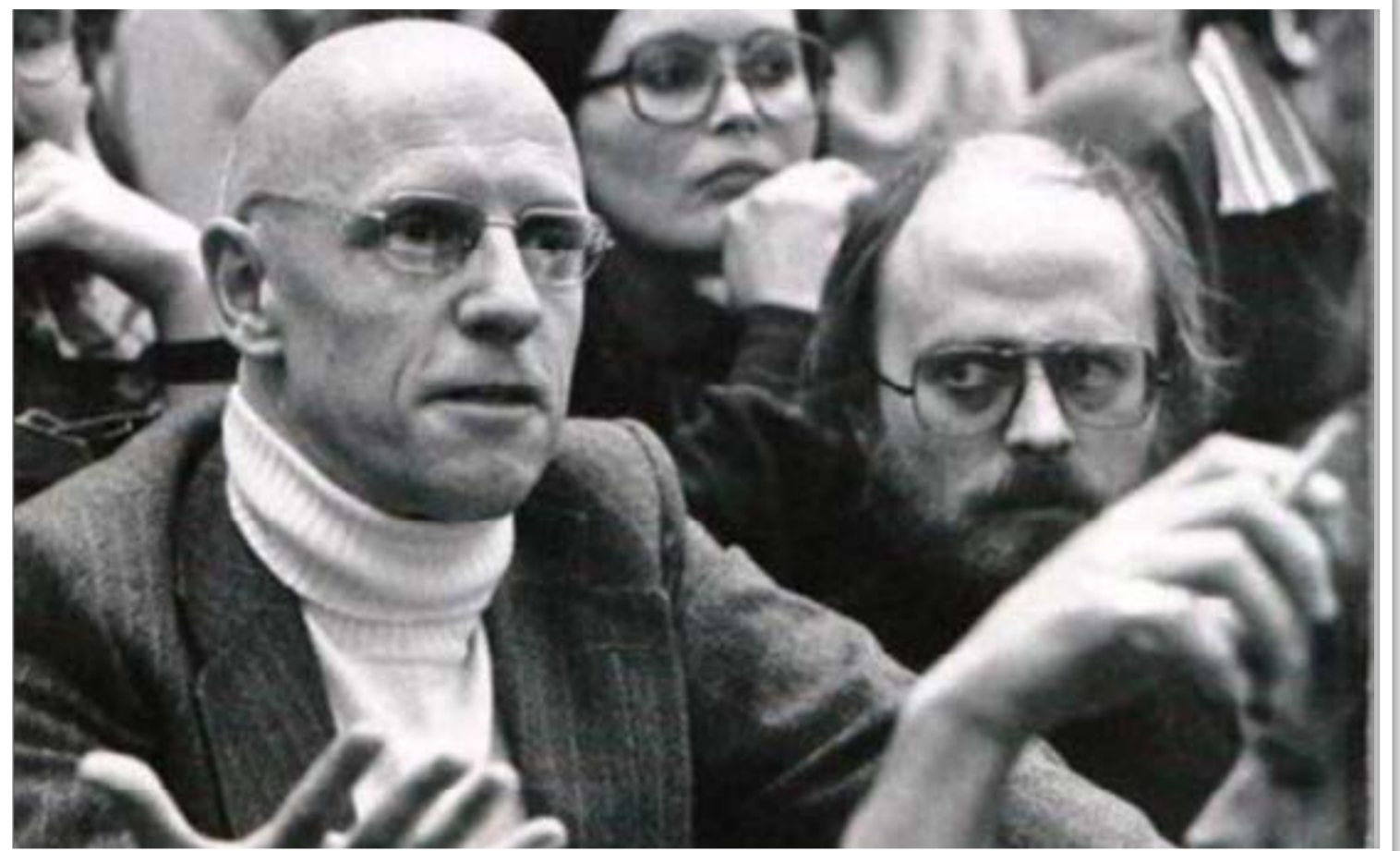
#### محرک ایجاد خیانت:

اکنون که با چند نوع از خیانت آشنا شدید، به محرک ایجاد خیانت می‌پردازیم. در ابتدا خواستم موضوع را به عوامل ایجاد خیانت بیان کنم، اما به دلیلی که خواهید خواند، آن را به محرک ایجاد خیانت تبدیل کردم:

اگر دقت کرده باشید، ابلیس در اثر برتری آدم و هوا نسبت به مقام خودش، سبب نافرمانی شد. در این



# فوکو، «نقد» و «روشن‌گری»



بخش نخست

## زهره روحی

مهم‌ترین خصیصه متفکران پیشرو، جسارت در «فراخوانی» است. دعوت به مسیرهای «ناشناخته» بی‌گناه به‌مثابه ضرورت در جابه‌جایی موقعیت‌های تاریخی، اجتماعی و شناختی ظهور می‌کنند. و ناگفته نماند که هرچند مسیر پیش رو و دعوت‌شده بدان، برای متفکری که عهده‌دار این دعوت است، تا حد زیادی ناشناخته است، اما واضح است که در عوض، وی نسبت به «وضع موجود»، آشنایی قابل ملاحظه‌یی دارد:

شناختی که به واسطه‌اش فراخوان «خروج» بر ساخته می‌شود. همان‌گونه که گفتیم، معمولاً فراخوان‌های خروج از وضع موجود، در دوره‌هایی داده می‌شود که ضرورت جابه‌جایی در موقعیت وجود دارد، اما به دلیل «عادت‌واره‌های زیستی - فکری، (و مسلماً سلطه پنهان ناشی از آن) فاقد چنین قدرت و تشخیصی هستیم. و از قضا، تفاوت «متفکر» نسبت به غیرمتفکر در این‌جاست که آشکار می‌شود. تفاوتی که او را به جسارت طرح و بیان نگرشی متمایز از آنچه که هست، تشویق می‌کند.

بر این اساس به نظر می‌رسد، سخنرانی میشل فوکو، در سال ۱۹۷۸ (در انجمن فرانسوی فلسفه)، نوعی «فراخوان» است. وی در سخنرانی خویش نه تنها تشویق به ترک و یا به تعبیر کانتی، «خروج» از موقعیت «حکومت‌شدن» می‌کند، بلکه تلاش می‌کند تا چشم‌اندازی از طرح جایگزین خویش که همانا «حکومت‌نشدن، توسط این و یا آن و یا به این و یا آن صورت...» ارائه دهد. شاید بهتر باشد قبل از هر بحثی، طرح پیشنهادی فوکو را باز و روشن سازیم.

می‌دانیم که فوکو تخصص فوق‌العاده‌یی در نظریه‌های مربوط به «قدرت» دارد. و از قضا در جلسه سخنرانی مزبور نیز، موضوع سخنرانی خود را بار دیگر به این مسأله اختصاص می‌دهد: به «قدرت»ی که در پس گزاره‌های علم و دانش درکارند. شاید با خود بگوییم پیش از وی هم بیکن «دانش را به‌مثابه قدرت» شناسایی کرده و هم نیچه با نیتی افشاگرانه، از این مسأله رمزگشایی کرده است. بله، این سخن کاملاً درست است و شاید حتا بتوان گفت کار فوکو به نوعی در ادامه کار نیچه است. البته نیچه‌یی که از هیجان کشفی که در این زمینه انجام داده است، آرام گرفته و به جای تسمخ دانش حامل قدرت، آستین همت بالا زده و به‌مثابه «فلسوفی دانشمند» (چیزی

که به‌شدت از آن گریزان بود)، از علت نخستین این مسأله، یعنی از هستی انضمامی - اجتماعی آدمی و برساخته‌های آن رمزگشایی کرده باشد. باری، فوکو در خصوص رابطه‌های غیرقابل تفکیک «دانش و قدرت»، به وضوح می‌گوید:

«از دید من، هنگامی که از دانش صحبت می‌کنم، عجالتاً فرقی نمی‌گذارم میان جمله یک روان‌پزشک و یک اثبات ریاضی. تنها نقطه‌ای [؟] که من از آن تفاوت‌ها وارد می‌کنم، دانستن این است که از یکسو کدام‌اند آن اثرهای قدرت، یا به عبارتی، اثرهای القایی ... که این جمله می‌تواند در درون عرصه‌یی علمی که در درون آن صورت‌بندی می‌شود - ریاضیات، روان‌پزشکی و غیره - بگذارد، و از سوی دیگر، کدام‌اند شبکه‌های نهادینه، ناگفته‌مانی، غیرقابل‌صوری‌سازی و به‌ویژه ناعلمی قدرت که این جمله از آن زمان که به گردش در می‌آید، با آن‌ها مرتبط است. همین است که من دانش می‌نامم: عناصری از شناخت که در درون و بیرون عرصه‌شان، اثرهایی از قدرت را اعمال می‌کنند، حال ارزش‌شان برای ما، برای یک ذهن ناب هرچه می‌خواهد باشد.» (ص ۳۰۷)

سخن فوکو، در خصوص قدرت موجود در کلام روان‌پزشک و یا معادلات ریاضی، کاملاً منطقی است. اصلاً در قلمرو عمومی جوامع امروزی چه کسی می‌تواند منکر قدرتی شود که در پس بسیاری از گزاره‌های روان‌پزشکی و یا روان‌شناسی، بهداشت روان، جامعه‌شناسی و ... وجود دارد. به بیانی، در اکثر جوامع عصر حاضر، چنان‌که شاهد هستیم، «گزاره‌های توصیه‌یی» متخصصان، به گونه شگفتی روانه قلمرو عمومی شده‌اند. یعنی از معاینه‌خانه، شفاخانه، دفتر مشاوره و یا دانشگاه بیرون آمده و به‌منزله «موقعیت رسانه‌یی»، از طریق روزنامه‌ها و یا برنامه‌های تلویزیونی و یا همایش‌های عمومی (که معمولاً شهرداری‌ها متولیان آن‌ها هستند)، خود را به قلمرو عمومی، پیوند زده‌اند. اما همان‌گونه که دیدیم، فوکو حتا به فراتر از این مسأله نظر دارد، به «قدرت»ی که همراه هر گفتمان دانشی‌ست؛ حتا در شکل یک فرمول کیمیایی - پزشکی فی‌المثل داروی میگرد، و یا اثباتی ریاضی. چرا که به قول خودش هر کدام از آن‌ها، به گفته خودش، «اثرهایی از قدرت را اعمال می‌کنند». به هر حال شاید جالب باشد بدانیم که در نگرش‌هایی هم‌چون بوردیو، نه تنها از این نگرش فوکو استقبال می‌شود، بلکه حتا از جایگاه جامعه‌شناختی، می‌تواند حلقه دیگری را تشخیص دهد که به حلقه‌های غیرقابل

که اجمالاً آنچه یک اقتدار به شما می‌گوید حقیقت است، به‌منزله حقیقت نپذیرد، یا دست‌کم آن را از آن‌رو که یک اقتدار به شما می‌گوید که حقیقت است نپذیرد. بلکه صرفاً در صورتی بپذیرد که خودتان دلایل پذیرش آن را درست قلمداد کنید.» (ص ۲۷۳)

بنابراین چنان‌که پیداست از نظر فوکو عرصه نقد، برساخته از عناصری چون قدرت، حقیقت و سوژه است؛ بدین معنا که در آن «قدرت»ی هست که باید خنثا شود و از کار بیافتد، «حقیقت»ی که باید دگرگون شود و بالاخره «سوژه»ی تابع قدرتی که باید منحل شود، تا سوژه‌یی دیگر (آزاد از اثرهای قدرت؟) جایگزین آن گردد. فوکو درباره متن پرسش از «روشن‌گری» کانت می‌گوید:

«کانت در متن ۱۷۸۴ خود در باب روشن‌گری چیست؟ روشن‌گری را نسبت به وضعیت معینی از عدم بلوغ تعریف می‌کند، وضعیتی که بشریت در آن ننگه داشته می‌شود و مستبدانه در آن ننگه داشته می‌شود. دوم این‌که کانت این عدم بلوغ را ... نوعی ناتوانی در به خدمت گرفتن فهم خود بدون آنچه دقیقاً هدایت [از سوی] دیگری است و او کلمه (Leiten) را به کار می‌برد. که معنای مذهبی کاملاً تعریف‌شده‌یی از لحاظ تاریخی دارد. [...] با این حال، کانت شناختن شناخت را پیوند می‌زند به نقد در اقدامش برای سوژه - منقاد زدایی، نسبت به بازی قدرت و حقیقت، و به منزله وظیفه اصلی و مقدمه هر روشن‌گری کنونی و آینده.» (صص ۲۷۶، ۲۷۴)

بنابراین همان‌گونه که فوکو تذکر می‌دهد، شیوه کانت در پاسخ به گفتمان عصر روشن‌گری این است که آن را به «شناخت» پیوند می‌زند. با این عمل «حق دانستن و خود - تأملی»، نه تنها به منزله ضرورت و حتا یکی از پیش‌شرط‌های مهم «آزادی» قلمداد می‌شود، بلکه از این پس، اساس «نقد»، به تحقیق در امر مشروعیت تاریخی و یا فرضاً درستی یا نادرستی (کذب) حقیقتی منجر خواهد شد که قدرت حاکمه در وضع موجود از آن محافظت می‌کند و خود را متولی آن می‌داند، و از این‌رو اساس «حکومت» خود را بر مبنای آن می‌گذارد. فوکو با استقبال از نقد روشن‌گرانه کانت، (به‌منزله سرمنونی الهام‌آمیز) می‌گوید: «حال به جای این روش که شکل تحقیق در باب مشروعیت شیوه‌های تاریخی شناخت را می‌یابد، شاید بتوان روش متفاوتی را در نظر گرفت. این روش برای ورود به پرسش روشن‌گری، می‌تواند نه مسأله شناخت، بلکه مسأله «قدرت» را در نظر گیرد؛ این روش نه به‌منزله تحقیق در باب مشروعیت، بلکه به منزله چیزی که می‌خواهم آموذن رویدادپردازی بنامم، پیش می‌رود. [...] به عبارتی خنثاسازی اثرهای مشروعیت و آشکارکردن آن‌چه این اثرها را در لحظه‌یی معین قابل پذیرش می‌کند و موجب می‌شود که به واقع پذیرفته شوند.» (صص ۲۸۵، ۲۸۶)

وانگهی، وی معتقد است این عمل و یا به اصطلاح «کردار فلسفی - تاریخی» زمانی میسر می‌شود که دانش و قدرت را به‌مثابه شبکه‌یی تحلیلی در نظر آوریم. یعنی با دخالت در نظام ارزشی و تقلیل آن به ابزاری «مقبول‌ساز» فرقی هم نمی‌کند که این نظام چه‌گونه نظامی باشد: «چه این نظام، نظام بیماری روانی باشد، چه نظام کیفری، چه نظام بزهکاری، چه نظام سکسوالیته و غیره؛ [...] پس نوعی روش داریم که خارج از دغدغه مشروعیت و در نتیجه با فاصله گرفتن از دیدگاه بنیادین قانون، چرخه ایجابیت را مرور می‌کند.» (ص ۲۸۸)

حال اگر کسی این پرسش مهم را داشته باشد که روش فوکو، در برابر «رهایی‌بخشی» روش روشن‌گری عصر کانت (ی به این سو)، - که به اعتراف خود فوکو روش وی از نقد و روشن‌گری مبتنی بر مشروعیت‌ها و یا افشای فقدان آن‌ها، فاصله گرفته است - چه ایده‌یی جایگزین دارد، (با آیا اصلاً چنین دغدغه‌یی دارد یا نه؟!؟)، می‌باید گفت، فراخوان فوکو اصلاً برای این است که چنین پرسشی را تغییر دهد. چنان‌که معتقد است:

«اگر پرسش در باب شناخت باید در نسبت با استیلا طرح شود، این پرسش می‌تواند نخست و پیش از همه با عزیمت از نوعی خواست قاطعانه حکومت‌نشدن باشد، این خواست قاطعانه، این رهیافت هم فردی، هم جمعی، به قول کانت به خروج از عدم بلوغ، پرسش رهیافت.» (ص ۲۹۳)



## تیم اصلاحات و همگرایی:

# پروسه ابطال آرا صرف یک شوخی است

تیم اصلاحات و همگرایی تهدید کرد که خود را از پروسه تفتیش آرا که تحت نظارت سازمان ملل انجام می‌شود، کنار می‌کشد.

فضل احمد معنوی، مسوول تخنیکي ستاد اصلاحات و همگرایی دیروز به خبرنگاران در کابل گفت: «پروسه ابطال آرا صرف یک شوخی است و هیچ کسی اراده ابطال کردن آرای تقلبی را ندارد.»

او گفت: «امروز، من اعلام می‌کنم که اگر خواسته‌های ما تا فردا صبح پذیرفته نشوند، ما به این پروسه ادامه نمی‌دهیم و هرگونه نتیجه برای ما هیچ ارزشی نخواهد داشت.»

فضل احمد معنوی مسوول ناظران تیم داکتر عبدالله گفت: مجادله انتخاباتی هر پیامدی که داشته باشد، ما مسوول آن نخواهیم بود. او افزود که سازمان ملل متحد از شکایت‌های آن‌ها خبر دارد، اما نتواسته به خواسته‌هایشان درست رسیده‌گی کند.

آقای معنوی اظهار داشت که کمیسیون انتخابات تاکنون به هیچ کدام از معیارهایی که آنان برای جدایی آرای پاک از تقلبی تعیین کرده‌اند، عمل نکرده است.

وی به طور نمونه به برخی مشکلات تخنیکي که کمیسیون به آن هیچ توجهی نداشته و بار دیگر

هزاران رای تقلبی را در جمع آرای پاک وارد ساخته اشاره نمود.

شامل شدن آرای مراکز که قبلا از سوی نهادهای امنیتی بسته اعلان شده بودند در جمع آرای پاک - مراکز خیالی -، عدم ابطال هزارن چک لیست‌هایی که توسط یک فرد امضا شده، عدم ابطال هزاران رأی که توسط یک شخص علامت گذاری شده، عدم ابطال هزاران رای که بدون قطع شدن در صندوق‌ها ریخته شده و ... از مسایلی بوده که آقای معنوی به آن اشاره نمود.

مسوول تیم تخنیکي ستاد انتخاباتی اصلاحات و همگرایی بیان داشت که کمیسیون انتخابات و ملل متحد تنها حرف‌های آنان را شنیده؛ اما به آنان عمل نکرده است.

آقای معنوی تاکید نمود که هیچ اراده‌یی برای جداسازی آرای پاک از تقلبی وجود نداشته و تفتیش آرا تنها مشروعیت بخشیدن به آرای تقلبی بوده است.

وی تصریح نمود: «برخورد در برابر تفتیش آرا تخنیکي نبوده؛ بلکه زیر سایه اهداف سیاسی پیش رفته است.»

وی افزود: «اگر تا فردا صبح که رسمیات آغاز می‌شود؛ همه خواسته‌های ما قبول نشد؛ ما پروسه را خاتمه یافته اعلام می‌کنیم و دیگر این پروسه

## پس از ۲۰۱۴ نیز...

ریزی لازم را داریم.»

دمپسی به منظور انتقال فرماندهی عمومی نیروهای ناتو از جنرال جوزف دانفورد به جان کیمپل در افغانستان، به کشور سفر کرده است.

انتقال این مسولیت همزمان است با شرایط حساس بحران انتخابات ریاست جمهوری افغانستان و جریان بررسی و بازشماری آرا به منظور اعلام نتایج انتخابات این کشور. در همین حال فقدان رییس جمهور منتخب در افغانستان سبب ایجاد یک معضل برای ایالات متحده در آستانه خروج کامل نیروهای این کشور از خاک افغانستان گردیده است؛ زیرا یکی از شرایط، روشن شدن مساله امضای توافقنامه امنیتی می باشد که منوط به همین مورد است. اما مقامات اعلام کرده اند که امکان انعطاف در این زمینه وجود دارد. اگر روشن شدن نتایج هفته‌ها به طول انجامد اردوی امریکا می‌تواند حضور خود را تا اوایل سال آینده میلادی به منظور فراهم سازی یک خروج منظم تمدید کند.

دمپسی افزود: «ما اعلام کردیم که برای خروج، به

یک «موافقتنامه امنیتی» نیاز داریم؛ اما نه به این دلیل که فاقد قدرت لازم برای ادامه حضور فراتر از پایان سال جاری باشیم، بلکه هدف ما نشان دادن حسن نیت و اراده خوب ما در برابر به دولت افغانستان می باشد.

انتخابات ریاست جمهوری ششم اوریل که قرار بود جانشین حامد کرزی را مشخص کند، منجر به تنشهایی مان عبدالله عبدالله و اشرف غنی احمدزی، دو نامزد دوردوم انتخابات ریاست جمهوری این کشور گردید.

او گفت: «به هر حال یک روز برنده این رقابت مشخص خواهد شد ولی بازنده نیز در میان گروه کلانی از مردم افغانستان جایگاه ویژه‌یی خواهد داشت. به نظر من مهم اینست که هر دو جایی برای خود بیابند و نتیجه این رقابت نباید یک پیروز و یک مغلوب باشد، بلکه باید یک قرارداد تقسیم قدرت میان دو نامزد باشد

مقامات امریکایی افغانستان را برای تشکیل حکومت وحدت ملی زیر فشار گذاشته اند. جان کری، وزیر خارجه ایالات متحده در آغاز ماه روان از هر دو

را ادامه نمی‌دهیم و دیگر این پروسه برای ما قابل ارزش نیست و نتیجه آن برای ما ارزشی ندارد. این‌که بعد ملل متحد این را ادامه می‌دهد؛ کمیسیون ادامه می‌دهد؛ تیم حریف ادامه می‌دهد کارخودشان است و مسوولیت ما بعد از فردا در این پروسه نخواهد بود.»

آقای معنوی تاکید نمود: « این که پیامدهای آن چی خواهد بود؛ مسوولیت‌اش به ما بر نمی‌گردد؛ مسوولیت اش به کسانی بر می‌گردد که با ما در این چند هفته فریب کاری کردند و هیچ‌گونه دیدگاه معقول ما را نپذیرفتند.»

متحدین غربی افغانستان امیدوارند که رییس جمهور جدید افغانستان پیش از چهارم سپتمبر معرفی شود. قرار است در همین تاریخ نشست ناتو در ویلز بریتانیا برگزار گردد.

کشورهای اشتراک‌کننده در این نشست در مورد کمک به افغانستان پس از خروج نیروهای خارجی در پایان سال میلادی، رایزنی خواهند کرد.

در صورتی که انتقال قدرت صلح آمیز باشد، ایالات متحده امریکا و دیگر متحدین غربی افغانستان، پس از گذشت ۱۳ سال جنگ بدون نتیجه، می توانند بگویند که تا اندازه ای در این کشور موفق بوده اند.

## مصرف گزاف در عروسی‌ها...

کش گردد.

در این حال، نفیسه عظیمی عضو کمیسیون جامعه مدنی و امور زنان در مجلس در این سمینار گفت که مسوده قانون کاهش مصارف ازدواج در ولسی جرگه ترتیب گردیده و برای توشیح برای رییس جمهور فرستاده می‌شود.

او گفت: «ما هم تلاش می‌کنیم که این قانون را پس از رخصتی‌ها و بحث همه‌جانبه تصویب شود، و پس از توشیح رییس جمهور به دسترس مردم قرار می‌گیرد و در ساحه تطبیق آن از وزارت‌ها خواهان همکاری هستیم»

گفته می‌شود که در این قانون از راه‌اندازی مراسم اضافی، و مصارف گزاف در مراسم عروسی جلوگیری خواهد شد.

تلاش‌ها برای جلوگیری از مصارف زیاد در محافل ازدواج در حالی صورت می‌گیرد که در حال حاضر عروسی‌ها بیشتر در هوتل‌های مفسن با مصارف گزاف صورت می‌گیرد.

با آنکه برخی‌ها که از امکانات خوب مالی برخوردار هستند به خواست خود پول هنگفتی را در مراسم شیرینی خوری و عروسی به مصرف می‌رسانند، اما گفته می‌شود که در بیشتر موارد فامیل دختر خانواده پسر را مجبور به مصارف گزاف در محافل عروسی می‌کند.

کارشناسان به این باورند که حکومت آینده افغانستان باید در این مورد قانون را نافذ کرده و با متخلفین آن برخورد جدی نماید.

## بزرگترین چالش نیروهای...

و همکاری به بیشتر مشورتی تغییر می‌یابد.

اما چیزی که اندرسون را نگران می‌کند، از دست دادن شرکای افغان نیروهای امریکایی است. دولت افغانستان به شمارش آرای دور دوم انتخابات ریاست جمهوری که بیشتر برگزار شد ادامه می‌دهد و تا هفته گذشته تقریباً نیمی از این آرا بازشماری شد. اندرسون در این باره گفت، نیروهای ائتلاف امیدی به نتیجه انتخابات ندارند، با این حال نسبت به دستیابی به یک راه حل سریع امیدوارند.

او در این باره افزود: مشاخره‌های سیاسی این اتفاق به ما هیچ ربطی ندارد. این زمان است که ما از دست می‌دهیم.

این جنرال امریکایی ادامه داد: درست زمانی که شمارش آرا صورت می‌گیرد با وجود خستگی مردم افغانستان از رکود، این کشور در بن بست قرار دارد و در این موضوع فرماندهان نیروهای ائتلافی فرقی با مردم افغانستان ندارند. فرماندهان در این بلا تکلیفی تنها می‌توانند برنامه‌های کوتاه مدت بریزند، در حالی که کلی کار برای انجام دارند.

اندرسون تاکید کرد، زمان محدودی برای بهبود مراقبت‌های پزشکی، توپخانه، مدیریت پروازها، امور پشتیبانی، نگهداری و مهندسی وجود دارد.

او درباره نیروهای امنیتی افغانستان گفت: من هنوز به توانایی‌های فنی آن‌ها اطمینان ندارم.

اما رخصت و خستگی که در سطوح بالای ارتش وجود دارد، می‌تواند بر آمادگی نیروهای ائتلافی تأثیر بگذارد.

وی افزود: با این حال ما هنوز متعهدیم تا بهترین کاری که می‌توانیم در افغانستان انجام دهیم.

به گفته اندرسون نیروهای امریکایی در جریان امنیت و انتقال بیش از ۲۲ هزار صندوق رای برای شمارش مجدد آرا کمک کردند و به این اقدام خود در جهت تأمین امنیت صندوق‌های رای با استفاده از دوربین‌ها و شیفت‌های شبانه سربازان ادامه می‌دهند. به اعتقاد اندرسون شمارش آرا تا سه هفته دیگر ادامه خواهد داشت و انتقال دولت در اواسط سپتمبر صورت خواهد گرفت.

انتقال دولت به اعتقاد اندرسون آخرین تحول در «سال تغییر» خواهد بود، سالی که در آن تلاش‌های بسیاری برای پایان «عملیات آزادی پایدار» و آغاز «عملیات حمایت پایدار» صورت گرفت. این دونام نام عملیات‌هایی است که ادامه فعالیت‌های امریکا در افغانستان را نشان می‌دهد.

در هشت ماه گذشته نیروهای ائتلافی، تعداد پایگاه‌های خود را از ۸۵ به ۴۲ پایگاه‌های کاهش داده‌اند و تا آغاز ماه نومبر کمتر از ۲۴ پایگاه نیروهای ائتلافی در افغانستان به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

همزمان با این اقدام نیروهای امریکایی به خارج کردن تجهیزات و ماشین آلات از این کشور ادامه می‌دهند. این نیروها در حال خارج کردن بیش از ۱۷ هزار از تجهیزات و ماشین آلات هستند و تا پایان سال بیش از ۴۰۰۰ جز دیگر نیز از افغانستان خارج می‌شود.

فرماندهان منطقه‌یی در سراسر افغانستان نیز در حال خروج از این کشور هستند و واحدهای آن‌ها از این پس با جنرال‌های رده‌های پایین‌تر اداره می‌شوند.

نامزد خواست که پیش از برگزاری جلسه سران ناتو به تاریخ چهارم سپتمبر در ویلز بریتانیا، با یکدیگر به توافق برسند.

دمپسی گفت، هنوز روشن نیست که این دو نامزد بتوانند در جلسه سران ناتو شرکت کنند. قرار است در این نشست سران کشورهای عضو ناتو درباره حضور و نقش آینده کشورهایشان در افغانستان تصمیم گیری کنند.

در همین حال، نیروهای افغان در جنوب و شرق این کشور در اوج فصل جنگ از سوی طالبان مرتباً مورد حمله‌های شدید قرار می‌گیرند. دمپسی گفت که او انتظار درگیری‌های سخت را داشت اما نیروهای افغان در بیشتر موارد موفق به بازپس گیری مناطق تحت تصرف طالبان شده اند.

بارک اوباما، رییس جمهور ایالات متحده دستور خروج تمام نیروهای این کشور به غیر از ۱۰ هزار سرباز تا پایان سال روان را داده است. این تعداد نیز می‌بایست تا آخر سال ۲۰۱۵ میلادی به نصف برسد. قرار است پس از پایان سال ۲۰۱۶ تنها هزار نفر در یک اداره امنیتی باقی بمانند.

شی، مثلاً د ملی امنیت اداره او نور کشفی ارگانونه باید داسې وېلوگاني، ټېليفوني او يا غږيزې مکالمې، انځورونه او نور توکي راټول کړي، چې په کې پاکستانی پوځیان پر افغانستان راکټي بریدونه کوي او یا د دې بریدونو په اړه خبرې کوي. داسې اسناد هم برابر کړي، چې پر افغانستان را وړېدلې راکټيونه د پاکستان په واک کې وي، یا په افغانستان کې جنگېدونکي وسله وال په پاکستان پورې اړوند ثابت کړي. مهمه خبره دا هم ده، چې د راکټي بریدونو او د طالبانو لپاره د جگړه ییز پلان د جوړولو له امله د پاکستان په کره موخې پوهېږي او اسناد پرې ټول کړي، د پېښو کره مهال، نېټه او شمېر باید معلوم وي او د اسنادو له مخې یې روښانه کړي.

افغان حکومت چې هر کله خپلې ادعاوې ښې مستندې کړې؛ نو کولای شي په نړیواله کچه بیا دا اسناد مطرح کړي. که چېرې حکومت دا اسناد ولري، یا یې مطرح کوي نه او یا یې له پاکستان سره مطرح کړي د حکومت په زیان تمامېږي؛ که اسناد ولري په کار ده چې په نړیواله کچه موضوع په خورا جدیت سره راپورته کړي او پاکستان تر فشار لاندې ونیسي. خو که داسې اسناد په واک کې نه لري؛ په داسې وخت کې بیا دیپلوماتیکو هڅو ته اړتیا نشته. په کار ده چې حکومت په سیمه کې د دې بریدونو منشاء پیدا کړي، په مقابل عمل لاس پورې کړي او په خپله ددې بریدونو مخه ونیسي.

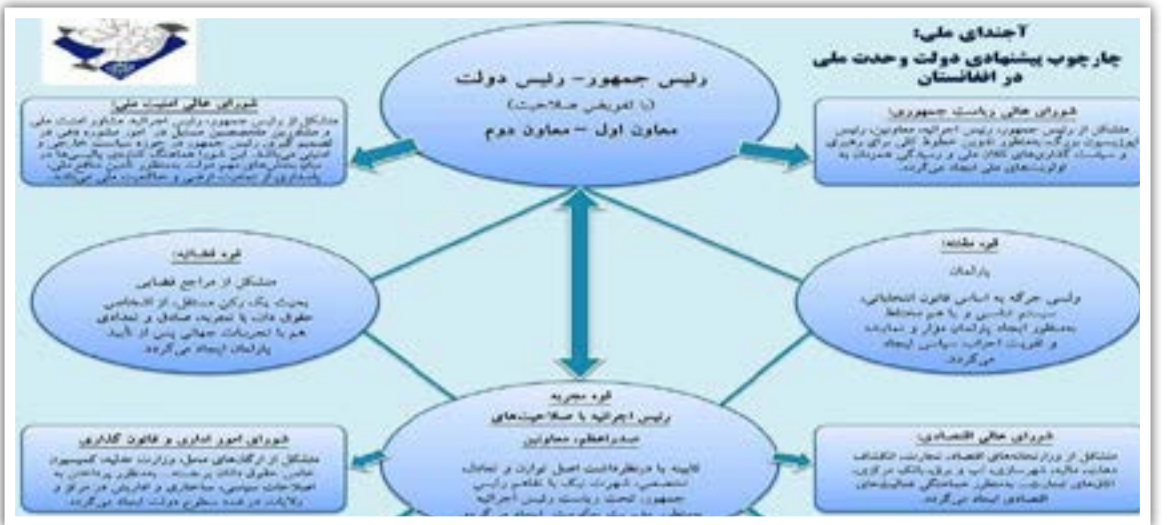
روابطو کې د رسنیو رپوټونه او یا یو اړخیزې ادعاوې اسناد نشي کېدای، بلکې دا د پاکستان حق دی، چې له افغان حکومت نه د شواهدو غوښتنه وکړي. د حکومت دا خبره تصدیق او اسناد نشي کېدای، چې هره ورځ په رسنیو کې رپوټونه خپرېږي، یا د طالبانو ځواک پیاوړی شوی، حملې یې ډېرې شوي او یا د وسله والو طالبانو په لیکو کې پاکستانی ملېشې جنګېږي. ځکه کله چې خبره د دولتونو ترمنځ د بحث او یا اړیکو کېږي، هلته یوازې با اعتباره او کره اسناد چې له نړیوالو معیارونو سره برابر وي، د منلو وړ دي.

که چېرې افغان حکومت د خپلو کشفی او استخباراتي ادارو په مرسته داسې اسناد په واک کې ولري چې له نړیوالو معیارونو سره سم، د افغان حکومت داعیه پر حقه ثابته کړي، نو افغان حکومت نباید ځنډ وکړي، بلکې خپل اسناد پر پاکستان سربېره ملګرو ملتونو، په افغانستان کې مېشتو نړیوالو ځواکونو، امریکا، د امنیت شورا او نورو هغو ځواکمنو هېوادونو ته چې له دې مسالې سره دلچسپي ولري، په واک کې ورکړي. خو که داسې اسناد شتون ونه لري؛ نو د افغان حکومت تشې ادعاوې به په نړیواله کچه د افغانستان حیثیت او باور زیانمن کړي.

دا کره اسناد افغانستان یوازې او یوازې د خپلو استخباراتي شبکو او دستګاوو له لارې ترلاسه کولای



# بحث اشتراک کننده گان



پس، نیاز بیشتر به تعریف صلاحیت رییس اجرایی که در آینده صدراعظم اجرایی می شود، است.

لطف الله نجفی زاده/مدیر واحد برنامه های سیاسی طلوع نیوز

به اجازه همه دوستان، می خواهم توجه همه را به یک نکته جلب کنم که در تفاهمنامه یی که میان هر دو نامزد انتخاباتی امضا شده است؛ بحث رییس اپوزیسیون بسیار جدی است، بنابر این رییس اپوزیسیون در واقع همکار رییس جمهور است و اگر از رهبری مشترک صحبت می کنیم نیاز به بحث و مکث روی صلاحیت های رییس اپوزیسیون وجود دارد، شما می دانید رییس اجرایی و یا صدراعظم اجرایی کارمند رییس جمهور می شود و در این جا همکار رییس جمهور گفته نمی شود.

بنابراین هر قدر که ما و شما روی صلاحیت های رییس اپوزیسیون صحبت کنیم مه نحوه همکاری رییس اپوزیسیون با رییس دولت چگونه می تواند باشد؛ تصویر را برای ما روشن تر می سازد.

## مشکلات در کجا است:

رییس اجرایی نفر رییس اپوزیسیون است و زمانی رییس اجرایی از نگاه ساختار اداری به رییس جمهور گزارش ده می باشد پس وفاداری اش به رییس اپوزیسیون چه میشود؛ این موضوع نیاز به بحث بیشتر دارد.

وزاری که توسط رییس اپوزیسیون به رییس جمهور معرفی می شود طبعاً وفاداری اش به رییس اپوزیسیون است و یا هم رییس جمهور.

فکر می کنم و تا جایی که ما در جریان هستیم و از صحبت های اخیر آقای اشرف غنی برداشتم این است که صلاحیت های رییس جمهور کم نمی شود، حداقل ادعای یک نامزد همین است که رییس جمهور صلاحیت های خود را تغییر نمی دهد و ما به دنبال تغییر نظام هم نیستیم؛ لویه جرگه یی که دو سال بعد برگزار خواهد شد به خاطر قانون مند ساختن پست صدراعظم اجرایی است نه به خاطر تغییر نظام سیاسی.

## دادستانان امریکایی:

### داماد بن لادن باید به حبس ابد محکوم شود



دادستانان امریکایی اعلام کردند، داماد اسامه بن لادن، رهبر سابق القاعده به خاطر نقشش به عنوان سخنگوی بن لادن پس از حملات ۱۱ سپتمبر باید به حبس ابد محکوم شود.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، دولت امریکا اعلام کرده که سلیمان ابوغیث، داماد بن لادن به خاطر ایفای نقش سخنگوی وی و بیان سخنان تهدیدآمیز و خطرناک علیه امریکایی ها باید به حبس ابد محکوم شود.

دادستان ها اعلام کردند، تروریسم یک جنایت با بالاترین میزان جنایت پیشگی است و عدم ارتکاب مجدد جنایات تروریستی به نظر کاملاً دشوار است.

استنلی کوهن، وکیل سلمان ابوغیث به قاضی کاپلان اوایل ماه جاری میلادی تأکید کرده بود تا حکم حبس موکلش را به ۱۵ ماه برساند و اعلام کرده بود که این مدت برای وی کافی است.

داماد بن لادن مارچ سال جاری میلادی به توطئه برای قتل شهروندان امریکایی و تأمین حمایت برای القاعده متهم شده بود.

وی متولد کویت است که پنج سال پیش با بزرگترین دختر بن لادن ازدواج کرد و از سال ۲۰۰۱ عالی ترین شخصیت القاعده محسوب

می شود که در امریکا محاکمه شده است. دادستان ها در ادامه شکایت خود آورده اند که ابوغیث در کمال غرور گفته که پس از حملات ۱۱ سپتمبر دست راست پدرزنش بوده و مکرراً در فیلم های ویدیویی اعلام کرده که می خواهد افراد بیشتری را به خدمت القاعده دریاورد.

وکیل داماد بن لادن همچنین گفت که موکلش هیچ اطلاع یا نقش کلیدی در حملات ۱۱ سپتمبر نداشته و در بمب گذاری ها یا فعالیت های تروریستی شرکت نکرده است. تنها نقش وی سخنگوی بن لادن بودن پس از حملات بوده است.

## دیروز توسط ارگ و...

جان و آرامش مردم ما را تهدید نکنند؟ گذشت زمان به اثبات رساند که آزادی هر طالب، افغانستان و صلح و ثبات در آن را قدمی به عقب رانده و فضا را متشنج تر و ناآرام تر ساخته است. این که بی ثباتی در فضای سیاسی کشور چه آثاری داشته، شاید روشن ترین و واضح ترین اثر آن، هرچه فقیرتر شدن مردم و هر چه بی ثبات تر شدن فضای سیاسی و اقتصادی حاکم بر کشور بوده است. و باید دید که این بی ثباتی و این بحران سازی ها بیشتر به نفع چه کسانی است که هرگز تحمل حضور یک افغانستان با ثبات و مترقی را ندارند. به نظر می رسد دست های پنهانی در کار است که فضا را هم ناامن بسازند و هم این ناامنی را عمیق تر و تکان دهنده تر از واقع حتما جلوه دهند تا با ترسی که در ذهن و قلب مردم ایجاد می کنند، با هر امیدی که

می کشند و از بین می برند، فرصت ها برای داشتن و ساختن افغانستانی آرام و باثبات را از بین ببرند. و روزی که امیدها از میان برود و اراده ها برای ساختن و آباد کردن بمیرد، هیچ کمک مادی و نظامی حتا اگر ارزشی معادل میلیاردها دالر داشته باشد، نخواهد توانست این اضطراب و آشفتگی را از میان ببرد. آنچه امروز می تواند راه گشا باشد این است که مردم ما خواهان شفافیت در سیاست گذاری ها و دوست و دشمن اختیار کردن ها هستند و باید به این خواست و اراده مردم احترام گذاشته شود و طالبان چه از نوع پاکستانی و چه از دسته افغانستانی، به عنوان کسانی که خون مردم ما را ریخته اند و با ثبات و صلح در کشور دشمنی نشان داده اند، باید مورد خشم و مجازات قرار بگیرند، نه این که رها شوند و برای توجیه این رها شدن دلیل تراشی شود!

د آزادو رسنیو کنسرسیوم / کنسرسیوم رسانه های آزاد  
independent media consortium

فساد

انتخابات

جوانان

زنان

معلولین

توسعه

جامعه مدنی

همبستگی

حقوق بشر

## تمرکز روی موضوعات مهم روز

کلید killid

سبأ SABA

واحد

اعضای کنسرسیوم رسانه های آزاد:

تکگ TKG

مارس

نیا

حمایت کنندگان:

توالعدی

مارس



**مدیر مسؤل:** نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲  
**مدیر خبر:** مجتبی امیری  
**گروه نویسندگان:** حلیمه حسینی، احمد عمران و کاوه جبران  
**گزارشگران:** ناجیه نوری، عرفان مومند و محمد هارون مجیدی  
**برگ آرای:** مجیب احمدی

**نشانی برقی:** mandegar.daily@gmail.com **وب سایت:** www.mandegardaily.com

**شماره تماس:** ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ - هرات: ۰۷۸۹۵۱۰۰۶۶

**مسؤل توزیع:** حبیب الله - ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸

**نشانی:** چهارراهی حصه دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچه پنجم

**شماره گان:** ۵۰۰۰

به جز «سخن ماندگار» مسؤلیت دیگر نوشته‌ها به نویسندگان بر می‌گردد.

Year 6 NO 1364 Wednesday 27 August 2014

DAILY

# Mandegar

## یارگ، یارگ!

عبدالشهید ثاقب

روشی را که او در پیش گرفته، واقعاً متمایز از راه و روش گذشتگان است. گذشته‌گان او، ارگ‌نشینان گذشته، با رقیبان سیاسی نظامی خود در تقابل قرار می‌گرفتند و «یا ارگ، یا مرگ!» می‌گفتند، اما کرزی، رقیبان خود را به یک جنگ بی‌هوده میان‌هم بفرستد و در آخر، پس از یأس و سرخوردگی، رضایت هر دو گروه را به تمدید دوره قدرت‌اش کسب کند. این روش کرزی اگر پیروز شود، روش تازه‌ای در گستره سیاست افغانستان خواهد بود که شعار «یا ارگ، یا مرگ!» را جای‌گزینی شعار «یا ارگ، یا مرگ!» خواهد ساخت.

کرزی تا هنوز توانسته مقدمه‌چینی خوبی برای پیروزی این روش بکند: تقلب‌ها را سازمان‌دهی کرد، انتخابات را به بن‌بست کشاند، نامزدها را به جان‌هم انداخت و دلیل شان ساخت. آقای کرزی برای پایان موفقیّت‌آمیز این سناریو، به چندگام دیگری نیز نیازمند است که باید بردارد. به نظر می‌رسد که کرزی بسیار مدبرانه تلاش دارد تا آن‌گام‌ها را بردارد و در پایان به قول احمدولی مسعود «بازی کلان‌بازی‌ها» را بیندازد و همه را برای تشکیل یک حکومت موقت فراخواند.

احمدولی مسعود چه زیبا نوشته است: استراتژی کرزی این است که پروسه انتخابات را بحرانی‌تر بسازد و در آخر بگوید کلان‌های افغانستان باید پیش

شعار «یا ارگ، یا مرگ!» کنایه‌ی است برای ناباورمندی رهبران سیاسی افغانستان به انتقال مسالمت‌آمیز قدرت در کشور. می‌گویند رهبران سیاسی افغانستان وقتی از قله‌های شامخ کوه به ارگ ریاست جمهوری راه می‌یابند و تن‌های خسته کوه و کوهسار به ناز و نعمت قصر گل‌خانه عادت می‌کنند، چنان مسحور و شیفته قدرت می‌شوند که «مرگ» را بر «دوری از ارگ» ترجیح داده و «سر» می‌دهند، اما «سنگر، نه».

شاید در این میان، یگانه استثناء حامد کرزی باشد. حامد کرزی، نخستین رئیس جمهوری است که به شعار «یا ارگ، یا مرگ!» باور نداشته و تلاشش بر این است که در آشفته‌بازار سیاست کشور، سنگ‌بنای سنت جدیدی را بگذارد و راه خود را از راه گذشته‌گان، جدا سازد. ذوق‌زده نشوید. راهی را که او برگزیده، احترام به اراده جمعی مردم و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت نیست، بل بقای در قدرت، همراه با مدیریت عواقب آن می‌باشد. آقای کرزی می‌کوشد که بقای قدرت خود را چنان مدیریت کند که هم در «ارگ» باشد و هم «مرگ» به سراغ‌اش نیاید. شعار حامد کرزی، یا «ارگ، یا مرگ!» نیست، بل «یا ارگ، یا ارگ!» است.

روشی را که آقای کرزی برای تحقق این امر در پیش گرفته است، اصل ایجاد «بحران» و «تفرقه‌اندازی» است. کرزی تلاش می‌کند با سنگ‌اندازی و مانع‌تراشی فراروی پروسه ایجاد حکومت وحدت ملی و مختل‌سازی روند تقویت و تأکیدهای مکرر بر انجام مراسم تحلیف در مهلت از پیش تعیین‌شده، نامزدها را به جان هم انداخته و مسؤلیت ناکامی پروسه انتخابات و دموکراسی را متوجه نامزدها ساخته و زمینه را برای بقای قدرت خود از طریق سازکارهای قومی و قبیله‌ی فراهم سازد.



## د پاکستانیو بریدونو او لاسوهنو معما!

کلاگانی ویجاړې شوې دي. دغه وسله وال برید د یادې ولسوالۍ د اعلا غرغې په سرې شا سیمه کې شوی دی.

د کندهار مطبوعاتي مسوول دوا خان مینه پال ويلي، چې د سیمې اوسېدونکو د پاکستانیو ځواکونو د دغه برید پر وړاندې اقدام کړی او له خپلو وسلو سره غرونو ته پورته شوي، چې د جگړې په پایله کې پاکستانی ځواکونه اړ شوي، له ډیورنډ فرضي کرښې څخه بیرته خپلو امنیتي پوستو ته پر شا شي.

هغه زیاته کړه، سیمې ته نور سرحدي ځواک لېږل شوی او د پاکستان د دغه راز نورو بریدونو د مقابله لپاره د چمتووالي او تیارسي په حالت کې دي. مینه پال دا هم وویل، چې د موضوع پلټنه پیل شوې او تر پایلې وروسته به یې په اړه ممکن گامونه اخیستل کېږي.

د معروف ولسوال توریالی سعادت وايي، پاکستانی پوځیانو د افغانستان...



د افغان حکومت له گواښونو سره سره نه یوازې دا چې د پاکستان بریدونه او لاسوهني کمې نشوې؛ بلکې لا ډېرې شوي دي. پر کونړ له راکټي بریدونو را وروسته د جمعې په ورځ پاکستانیو ځواکونو د کندهار ولایت پر معروف ولسوالۍ د توپونو او درنو وسلو ډزې کړې چې په کې یوه مېرمن او یو ماشوم وژل شوي او د سیمې د اوسېدونکو درې

## اشتباهم کډیاری

### دیروز توسط ارگ و امروز توسط امریکایی‌ها!

حلیمه حسینی



این ملت از سوی کسانی که از بند رها شده‌اند و دوباره به جبهه‌های جنگ علیه این ملت بازگشته‌اند.

رئیس جمهور کرزی گروهی را به نام طالبان افغانستانی، برادران ناراضی نام نهاد و تمام تلاش خود را به خرج داد که این برادران ناراضی هر کجا که هستند، چه در بند و چه در خارج از بند، راضی و پروار و راحت باشند و برای بیرون آوردن آنان که در بند هستند، با امریکایی‌ها به مذاکره نشست و زمینه را برای رهایی ده‌ها تن از سران آن‌ها که در زندان بودند، مساعد ساخت. اما اکنون که امریکایی‌ها چند تن از طالبان پاکستانی را از بند رها کرده‌اند، همین طالب‌دوستان، علم مخالفت بلند کرده‌اند و بحث این‌که «چه تضمینی است که این طالبان به جبهه‌های جنگ علیه ملت افغانستان و آرامش و ثبات این کشور بازنگردند؟» سوال خوبی است و باید به آن بدون شک پاسخ گفته شود. اما نکته قابل توجه این است که وقتی ده‌ها طالب افغانستانی از بند و زندان بگرام آزاد می‌شوند، چرا این نگرانی‌ها مد نظر قرار نگرفت و هیچ این سوال مطرح نشد که چه تضمینی است که این طالبان یک بار دیگر...

و مصالحه نه با زبان گلوله و ادبیات خشونت و خون با آن‌ها حل کرد؟ از این‌هم گامی به عقب‌تر، این پرسش مطرح است که طالبان پاکستانی در افغانستان چه می‌کنند و کارکردهای آنان در خود پاکستان چه بوده است؟ نقطه مشترکی که طالبان افغانستانی و پاکستانی را به هم گره زده، چیست؟ و یا در کل می‌توان ادعا کرد که این تفکیک و این نام نهادن، از پایه مخدوش است هر دو گروه با نام‌های مختلف اما با یک مکانیزم و برای اهداف مشترک فعالیت می‌کنند؟ شاید یکی از سودهایی که در طول این مدت از این شاخه شاخه شدن‌ها و نام گرفتن‌ها نصیب طالبان شده است، بحث رهایی آن‌ها از زندان‌های امریکایی‌ها و افغانستانی‌ها باشد. همه‌گان شاهد تلاش‌های دولت به‌خصوص شخص رئیس‌جمهور کرزی برای رهایی طالبان افغانستانی از بند و زندان بوده‌ایم؛ همان استراتژی غلط و ناکارآمدی که با چراغ سبز نشان دادن به طالبان و کرنش و نرمی به خرج دادن به آن‌ها، و آزادی آن‌ها از زندان به امید اصلاح و بازگشت به دامان ملت، ادامه یافته و تا امروز هیچ نتیجه‌ی نداشته جز افزایش ناامنی‌ها و به مخاطره افتادن بیشتر جان و مال

نامنی‌های روزافزون، بی‌ثباتی و طولانی شدن انتخاباتی که برای ملت و مردم ما نه تنها ناامیدکننده بلکه در سطح بین‌المللی آثار و پیامدهای بدی برای افغانستان داشته است، همه و همه دست به دست هم داده‌اند تا ما با فرار مغزها و سرمایه‌ها از این دیار، نیازمند سرمایه‌های فکری و اقتصادی شویم. به هر طرف که می‌نگری، نوعی ناامیدی و یأس خانمان‌برانداز در چشم‌ها موج می‌زند و به‌خصوص نسل جوان ما برای برون‌رفت از فشارها و مشکلاتی که فضای متشنج و ناامن و بی‌ثبات کشور بر آن‌ها وارد کرده است، در صدد گریختن به گوشه‌ی امن از این جهان پنهانور هستند.

گفته می‌شود که دشمن شماره یک افغانستان و آرامش افغانستانی‌ها، تروریسم، طالبان، القاعده و دیگر دهشت‌افکنانی هستند که خواب‌وخوراک خوش و شیرین را بر مردم ما حرام کرده‌اند؛ اما عجب این‌که معضل طالبان، این دشمن شناخته‌شده مردم ما، نه تنها در طول بیش از یک دهه بسیج بین‌المللی از میان نرفته است، بلکه روز به روز شاهد گسترش عمق فاجعه و گستره بحران‌ها از این ناحیه هستیم.

تقسیم شدن طالبان به افغانستانی و پاکستانی در این میان قضیه را بغرنج‌تر ساخته است و تفکیک میان این دو، نوعی سردرگمی را به همراه آورده است. طالبان افغانستانی و پاکستانی!!! کدام بهتر است و کدام را امید بازگشت است و می‌توان مشکل را با مذاکره

ادامه صفحه ۷

### روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی  
 شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی  
 نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی  
 یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی  
 سه ماهه - ۱۰۰ دالر  
 شش ماهه - ۲۰۰ دالر  
 نه ماهه - ۳۰۰ دالر  
 یک ساله - ۴۰۰ دالر

روزنامه ماندگار  
 نارسیده به منزل یا دفاتر  
 سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی  
 شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی  
 نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی  
 یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی  
 شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی  
 نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی  
 یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵